



اعلامیه مطبوعاتی

محصلان پوهنتون‌های افغانستان «خلافت» را بر «جمهوریت» ترجیح می‌دهند

مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان تحقیقی را زیر عنوان «ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی» منتشر نموده‌است. در این تحقیق به گونه‌ی متمرکز بر موضوع «نظام سیاسی اسلام» در مضمون «ثقافت اسلامی» سه پوهنتون بزرگ افغانستان (کابل، هرات و ننگرهار) پرداخته شده، و تأثیر آن را بر محصلان «خشونت، افراطیت و رادیکالیسم دینی» خوانده‌است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان، نکات ذیل را در این مورد با مردم مسلمان و مجاهد افغانستان در میان می‌گذارد:

یکم: تحقیق از لحاظ میتودولوژی و ساختار مشکلات زیادی دارد و محقق تنها به دنبال اثبات پیش فرض خود بوده و نتوانسته‌است تمام موارد تحقیق را بی طرفانه و علمی دنبال نماید؛ و با تأثیرپذیری عمیق از نظم حاکم دموکراسی امریکایی تدریس مضمون «نظام سیاسی اسلام» را به «خشونت، افراط‌گرایی و رادیکالیسم دینی» ربط داده‌است.

دوم: فعالیت این گونه نهادها و نشر چنین تحقیقات جزء اصلی ماشین جنگی امریکا و غرب علیه اسلام و مسلمانان است، تا خطوط قرمز و مسایل غیر قابل بحث اسلام و مسلمانان را تحریف و یا زیر سوال ببرد. طوری که دین را تنها مناسبات معنوی تعریف نموده گویا این که کاری به امور جامعه ندارد. هم چنین کامل بودن، همه‌جانبه بودن، جهان‌شمول بودن و فرا زمانی بودن اسلام را رد می‌کند. و سرانجام امر بالمعروف را مبنای رفتار خشونت‌آمیز به معرفی گرفته و حملات شدیدی را بالای نظام سیاسی اسلام، حقوق ذمی‌ها و مفهوم دارالاسلام وارد نموده‌است. در حالی که مسایل فوق از قطعیات اسلام می‌باشد که به غیر از دموکرات‌ها و سیکولران کسی دیگر جرئت زیر سوال بردن آن را ندارد.

سوم: در این تحقیق مانند نظام‌های کافر غرب و نظام‌های دست‌نشاندهی آن که مسلمانان را به «معتدل» و «افراطی» تقسیم‌بندی می‌نماید، احساس محصلان نسبت به نظام سیاسی اسلام را نیز به «خلافت‌خواه»، «امارت‌خواه» و «ولایت فقیه‌خواه» تقسیم نموده‌است؛ در حالی که صاحبان هر سه مفکوره، در صدد گم‌شدگی خود یعنی، «نظام سیاسی اسلام» برای مسلمانان اند.

چهارم: برای همه هویدا است که در این اواخر مسئله‌ی افراط‌گرایی و رادیکالیسم بیشتر به یک تجارت و وسیله‌ای امتیازگیری برای تعدادی از افراد و نهادها مبدل شده‌است، و داخل شدن به چنین موضوعات را نردبان برای پیشرفت‌شان تلقی می‌کنند، که این نهاد، و این نوع تحقیق نمونه‌ی بارز آن به شمار می‌رود.

لذا از هژده سال گذشته تا کنون قوانین افغانستان، مواد درسی مکاتب، پوهنتون‌ها و حتا خطبه‌های امامان مساجد به هدف سیکولرسازی، مکرراً دست‌خوش تغییر شده و مسایل اسلامی با اتهامات مختلف از آن حذف گردیده‌است. حال با نشر همچو تحقیقات و با خطرناک جلوه‌دادن «ثقافت اسلامی»، زمینه را برای حذف مفکوره‌های باقی مانده‌ی اسلام در نصاب تعلیمی و تحصیلی فراهم می‌سازند. در حالی که برخلاف تمام تلاش‌ها رجوع مردم به افکار و «نظام سیاسی اسلام» بیشتر گردیده، و نتایج تحقیقات مغرضانه‌ی خودشان نشان می‌دهد که دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ افغانستان، در مجموع «56.7» درصد خلافت، امارت و ولایت فقیه (نظام سیاسی اسلام) می‌خواهند، و تنها «34» درصد نظام کفری جمهوری را خواهان شده‌اند. از این که تمام تلاش‌شان خلاف خواست جامعه و احساسات مردم مسلمان افغانستان است، بنأ حيله گران عصر ره‌بجایی نخواهند برد.

وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ [۳۵:۴۳]

و حيله‌گری‌هایی زشت جز دامن‌گیر حيله‌گران نمی‌گردد!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان